

مدیر شعبه مشهد مرکز «تبیان» از رویکردهای فرهنگی سیاسی این مجموعه می‌گوید

تلاش برای آبادانی افغانستان از محله خیرآباد

۳

عیدگاه

فرزانه شهامت به سردر کوچک این بنانه‌گاه نکنید؛ به مراجعان آرام و گاه به‌گاه آن نیز این ساختمان منشأ اتفاقات مهمی از جنس خبر است برای مخاطبان ساکن مشهد که در کشور همسایه، رگ و ریشه دارند. همچنین برای مخاطبان افغانستانی که آن سوی مرزها هستند و برای دریافت خبرهای این نقطه از جغرافیای ایران، به تولیدات رسانه‌ای خبرگزاری صدای افغان (آوا) شعبه مشهد چشم دوخته‌اند. آواتنها یکی از بخش‌های مرکز تبیان افغانستان در مشهد است که پایگاه آن در محله خیرآباد واقع شده و حجت الاسلام والمسلمین سید محمد هاشمی راسنی، عهده‌دار مسئولیت آن است.

● مانوس با مسائل افغانستان

باید چهل و چند ساله باشد، صاحب قاب عکس روی دیوار. طلبه‌ای است با عمامه مشکی و لیخندی محو؛ «اسمش سید علی اکبر مصباح است. خدا رحمتش کند. آن قدر به شهید سید مجتبی نواب صفوی علاقه مند بود که گروه فداییان اسلام را در افغانستان تأسیس کرد. تبیان که مرکزی است با رویکرد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، یکی از یادگاری‌های آقای مصباح است. سال ۷۱ این مرکز را تأسیس کرد و تقریباً در همان ایام، شعبه مشهد آن نیز راه افتاد، در خیابان میثم، این ها توضیحات مدیر شعبه مشهد مرکز تبیان است درباره مؤسس این مرکز

که سال ۷۳ ترور شد.

او فعالیت‌های تبیان را این طور خلاصه می‌کند: همه تلاشمان این است که نسل جدیدمان به دلیل مهاجرت طولانی مدت و حضور در ایران، با افغانستان و مسائل آن بیگانه نشود؛ تحلیلی درباره مشکلات افغانستان و ریشه‌های آن داشته باشند و بتوانند راهکار ارائه بدهند.

● تربیت مدیران آینده

آنچه هاشمی می‌گوید، هدف بلندی است که دستیابی به آن با گذشت چند دهه از مهاجرت برخی اتباع افغانستانی و خو گرفتن به فضای مشهد، ساده به نظر نمی‌رسد. او به راهکارهایی اشاره می‌کند که اکنون با ابتکار تبیان در حال

اجراست؛ «با برخی دانشگاه‌ها مثل دانشگاه بین‌المللی امام رضا^(ع) تفاهم‌نامه‌هایی داریم تا در کادرسازی و تربیت نیروی انسانی علاقه‌مند به بازگشت به افغانستان، همراهی‌مان کنند. آسیب‌شناسی ما نشان می‌داد که بخش زیادی از تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی ما بعد از پایان تحصیلات عالیه، بادنابل شغل‌های نامرتبلی مثل کفافی می‌روند یا مهاجرت می‌کنند و افغانستان از تخصص آن‌ها بی‌بهره می‌ماند.»

او ادامه می‌دهد: از طرف دیگر، ما براساس ارتباطاتی که با مخاطبانمان در ایران و افغانستان داریم، خانواده‌ها را می‌شناسیم؛ بنابراین گزینه‌هایی را که برای انجام کارهای مدیریتی در افغانستان مناسب هستند، برای ثبت نام و ادامه تحصیل به دانشگاه‌ها معرفی می‌کنیم به این امید که بعد از فارغ التحصیلی به سراغ شغل‌های غیر مرتبط نروند، مدیریت در داخل افغانستان را تقویت کنند و با حضور قدرتمند علمی و فرهنگی خود، بسیاری از مطالبات برای تحقق حقوق شهروندی شیعیان را به دست آورند.

آن طور که مدیر شعبه مشهد مرکز تبیان می‌گوید اجرای برنامه‌هایی برای تقریب مذاهب و جلوگیری از جولان تفکرات تکفیری، ثبت ازدواج، برگزاری جلسات نصایح شرعی برای زوجین دچار اختلاف، ثبت طلاق‌های توافقی، صدور گواهی تجمد و تنظیم وکالت‌نامه‌های حقوقی، بخش دیگری از خدمات اجتماعی فرهنگی این مرکز برای افغانستانی‌های مقیم مشهد به شمار می‌رود.



کودک رزمی کار محله بلال، کاراته را جدی دنبال می‌کند

خوشی‌های ورزشی مدال آور کوچک

● فقط در باشگاه تمرین می‌کنی یا

در خانه هم ورزش می‌کنی؟

در خانه هم تمرین می‌کنم. همچنین چند کتاب آموزش درباره کاراته دارم که آن‌ها را می‌خوانم. نویسنده آن‌ها استاد خودم، آقای حامد ظفرانلو، است.

● در هفته چند روز ورزش می‌کنی؟

روزهای فرد، ساعت ۶ تا ۷ عصر می‌روم به باشگاه. ولی اگر مسابقه داشته باشیم، هر روز در باشگاه تمرین می‌کنم.

● کمر بند الان چه رنگی است؟

کمر بند مشکی دارم، دان دو.

● در چه مسابقات شرکت کرده و چه مقام‌هایی آورده‌ای؟

پارسال در مسابقات کشوری و آسیایی سه مدال گرفتم. مسابقات آسیایی که در اصفهان بود، در رشته کاتا مدال طلا گرفتم و در کومیته مدال برنز. در مسابقات کشوری هم که در مشهد برگزار شد، باز هم مدال برنز گرفتم.

● از درس‌هایت هم برایمان بگو. چطور به درس و ورزش می‌رسی؟

مادرم برایم برنامه ریزی کرده است. برای همین، هم نمره‌های درسی‌ام خوب است، هم در ورزش موفق هستم.

● وقتی بزرگ شدی، دوست داری چه شغلی را

انتخاب کنی؟

دوست دارم مربی بشوم و خودم یک باشگاه بزرگ بسازم که خیلی مجهز باشد؛ مثلاً یک بخش آن برای تمرین بوکس و یک بخش هم برای آموزش کار با سلاح‌های سرد باشد. می‌خواهم بچه‌هایی پیدا آنجا تمرین کنند، یک آدم قوی شوند تا از خودشان دفاع کنند.



امید محله

برای اینکه بتوانم از خودم دفاع کنم یا اگر کسی بخواهد از من دزدی کند، جلو او بایستم.

● در این پنج سالی که کاراته کار

کرده‌ای، کدام بخش این رشته را

بیشتر دوست داری؟

کار با سلاح‌های سرد مثل نانچیکو را خیلی دوست دارم. در باشگاه تمرین می‌کنم و خیلی به من خوش می‌گذرد.

● غیر از کاراته، ورزش

دیگری هم انجام می‌دهی؟

بله، شنا را هم خیلی دوست دارم. تا حالا سه دوره به کلاس شنا رفته‌ام. بلدم هواگیری کنم، کراول پشت هم بلدم. حتی در عمق چهارمتری استخر می‌توانم شنا کنم.

محمدرضا فیضی وقتی آروین شش ساله بود، یک دغدغه بزرگ داشت؛ اینکه اگر دزدی وارد خانه‌شان شد، بتواند از خودش و خانواده‌اش دفاع کند. همین فکر ساده و بچگانه، شروع یک مسیر قهرمانی شد؛ مسیری که حالا او را به مدال‌های طلا و برنز کشوری و آسیایی رسانده است. آروین ا... یاری، پسر نه ساله محله بلال، با کمر بند مشکی‌اش نه تنها در مسابقات، بلکه در دل آرزوهایش حسابی می‌جنگد؛ آرزوی ساختن باشگاهی بزرگ، برای پرورش قهرمان‌های کوچکی مثل خودش. دقایقی با او در نمازخانه دبستان امام حسین^(ع) محله بلال هم صحبت شدیم.

● از کی ورزش را شروع کردی؟

یک سال مانده بود که بروم مدرسه. در خانه خیلی حوصله‌ام سر می‌رفت. به پدرم گفتم می‌خواهم بروم کلاس‌های ورزشی. با هم در محل گشتیم و یک باشگاه به

اسم «مالک اشتر» پیدا کردیم. وقتی بارشده کاراته آشنا شدم، خیلی خوشم آمد و خیلی زود ثبت نام کردم.

● چه چیز باعث شد که این رشته

را انتخاب کنی؟

